

یک اجازه و چند سند از آیت‌الله میرزا محمود مقتدایی خوراسگانی

رسول جعفریان

نویسنده این سطور، خود اهل خوراسگان اصفهان است و در یاد از شهر و دیار خود کتاب خورشید جی را تهیه و تدوین کرد، اما بعد از آن نیز مطالب دیگری یافتیم که مع‌الاسف فرصت نشر آن فراهم نشد. خدمت جناب آیت‌الله مقتدایی خوراسگانی بودم. ایشان اجازه‌نامه اجتهادی از پدرشان را که توسط مرحوم آیت‌الله سید محمد موسوی نجف‌آبادی نوشته بود و به لحاظ متن، اجازه‌نامه استواری است به بنده نشان دادند. علاوه بر آن دفترچه‌ای حاوی اجازه پوشیدن لباس روحانی برای پدرشان که صدور آن ۲۶ اردیبهشت ۱۳۱۵ ش بود و درست مثل شناسنامه حاوی چهار صفحه. علاوه بر آن نامه‌ای از مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که به ایشان نوشتند و تاریخ آن ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۷۸ ق بود که ۱۳۳۸ ش می‌شود.

مغتنم دانستم که هر سه متن را در اینجا چاپ کنم. با سپاس از ایشان، اما پیش از آن، شرح حالی کوتاه از مرحوم آیت‌الله نجف‌آبادی ارائه خواهم کرد.



آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد موسوی نجف‌آبادی

آیت‌الله سید محمد نجف آبادی یکی از مدرسان معروف عصر اخیر اصفهان است که شاگردان فراوانی تربیت کرده است. تولد وی در سال ۱۲۹۴ق و پدرش سید حسین از سادات موسوی میرلوحی است. وی ابتدا در نجف آباد و سپس در اصفهان تحصیل کرده و پس از آن به نجف مشرف شد و در آنجا از محضر شماری از علما از جمله آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزای دوم، سید محمد فشارکی، سید اسماعیل صدر و شیخ‌الشریعه اصفهانی بهره برد.

مرحوم نجف آبادی در سال ۱۳۲۷ق به اصفهان بازگشت و به تدریس مشغول گشت. محل درس وی مدرسه جده بزرگ بود و شماری زیاد در درس خارج فقه و اصول او شرکت می‌کردند. آیت‌الله روضاتی در باره وی نوشته است: عموم طلاب و افاضل وجود او را مغتنم دانسته، از منبع فیاض دانشش که بالاخص در عرفیات فقهی و جمع اخبار و توضیح مطالب و تنقیح مباحث غامضه اصولی و جودت تقریر، امتیازی آشکار داشت بهره‌مند شدند... مرحوم آقا سید محمد پیوسته به اشتغالات علمی و وظایف دینی خودسرگرم و بی اعتنا به ظواهر فریبنده دنیوی در کمال زهد و ورع و تقوا و مناعت طبع به سربرده و پشت پا به مال و منال پر وزر و وبال دار فانی زده و در عوض صدها نفر از مستعدین را به سرحد کمال علم و عمل رسانیده و مخصوصاً پس از فوت آیات عظام: سید محمد باقر درچه‌ای (در سنه ۱۳۴۲) میرمحمد صادق خاتون آبادی (به سال ۱۳۴۸) و ملا محمد حسین فشارکی (در سال ۱۳۵۳)... علماً و عملاً مشار بالبنان و جامع جمیع جهات زعامت، و مصدر وجوه و امور حسیبه، و مورد کمال وثوق مردم اصفهان و غیره گردیده و از عموم طلاب و محصلین با کمال حسن خلق و بشاشت، تفقد و تلاف و سرپرستی می‌نموده است (هفده رساله فارسی به کوشش رضا استادی ۳۷۵).

برخی از برجسته‌ترین شاگردان وی در این شهر عبارتند از شیخ حیدر علی محقق، حاج شیخ عباسعلی ادیب، حسین خادمی، حاج شیخ علی مشکوه، سید ابوالحسن شمس آبادی، سید ابوالحسن مرتضوی کرونی، شیخ احمد فیاض و شمار فراوانی دیگر که برای شرح حال مفصل آن بنگرید به سایت:

<http://takhtefoulad.org/mashahir/olama/modaresnajafabadi.htm>

مرحوم مدرس نجف آبادی عالمی زاهد بود و چنان که علامه روضاتی نوشته است، خانه‌ای که آقا سید محمد در تمام عمر در آن زندگی کرد، واقع در خیابان نشاط و نزدیک محله پاقله بود و سوای آن خانه و خلوتش، مایملکی تهیه نکرد، حتی کتاب و کتابخانه‌ای هم نداشت (هفده رساله فارسی: ۳۷۸).

آیت‌الله نجف آبادی در اواخر عمر به سینه درد شدیدی مبتلا شد که نزدیک یک سال او را از تدریس بازداشت. سرانجام این عالم جلیل و مدرّس بزرگ حوزه علمیه اصفهان، در روز ۲۵ ذی قعدة (روز دحو الارض) ۱۳۵۸ق (۱۵دی ماه ۱۳۱۸ش) دارفانی را وداع گفت. اما مرحوم میرزا محمود مقتدایی از جمله شاگردان مرحوم مدرس نجف آبادی که اجازه ذیل

برای ایشان صادر شده، در سال ۱۳۱۷ق قمری به دنیا آمد. وی تحصیلات عالی خود را نزد مرحوم نجف‌آبادی و شیخ محمدرضا نجفی و اندکی نیز در قم در محضر حاج شیخ عبدالکریم سپری کرد. وی پس از عمری تبلیغ در روز سه شنبه، هفتم مهر ۱۳۴۳ش (۱۳۸۴ق) درگذشت و در تخت فولاد مدفون شد. اجازه ذیل از جمله اجازاتی است که از مرحوم نجف‌آبادی برجای مانده و در آن به جزئیاتی در باره تحصیل و مراتب آن اشاره شده و علاوه بر اجازه روایی، همزمان اجازه اجتهاد نیز هست.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي منّ على عباده بالحُجج والبيّنات وأمرهم بازاحة جهلهم بالسؤال عن أهل الذكر عند الحيرة والجهالات، وبيّن لهم سنّة التدريس والتدريس لتقرير الواضحات ومهدّ لهم قواعد الاحكام واصولها من نصوص الايات، وبيّن لهم ما يحتاجون اليه في أمر معاشهم ومعادهم بالأحاديث والروايات، والصلوة والسلام على رسوله الذي بعثه عليهم من أنفسهم بالبيّنات وأنزل عليه الفرقان الحميد المحتوية على المحكمات والمتشابهات، ونصب للناس من أهل بيته الائمة الهدات، والسادة السولات والقادة الحُماة المعصومين من الزلاّت ومصونين من العثرات ومُبينين لما يرد عليهم من النواسخ والمنسوخات، والعمومات والخصوصات، والمطلقات والمقيّدات، سبّما ابن عمه وصيّهِ وزيره وصنوه وصهره أمير المؤمنين و امام المتقين، صاحب الغزوات المشهورات والمفترض طاعته على جميع الكائنات.

و بعد فان العلم اشرف الخصال و اكمل الكمال و احسن الجلال و اجمل المجال، و من اشرف العلوم كلّها علم قواعد الدين الذي به هداية المسترشدين و ارشاد الجاهلين و تنبيه الغافلين و به يعرف الأحكام الشرعيّة و الحلال و الحرام الأبدية و هو الوسيلة للنيل بالسعادة الابديّة و السيادة النبيويّة و السعادة الاخرويّة و كان أحقّ شيء بالرعاية و احريه بالاهتمام و العناية بعد الفرقان العظيم و التنزيل الكريم، رواية الحديث و ضبطها و دراية الأخبار و فهمها و صرف الايام في مدارستها و قضاء الأعوام في ممارستها، و كان لسلفنا الصالحين و علماءنا الماضين مزيد اهتمام بهذا المطلب الشريف و كثير اعتناء بهذا المقصد المنيف، حتى بذلوا في رعايته جهدهم و استوفوا في فقهه و فهمه كدّهم و جدّهم. و ممّن صرف الي ذلك النظارة الدقيقة و وجه اليه افكار العميقة و بلغ السى هذه المرتبة العالية و نزل فيه جدّها و جهدها و استفرغ فيه طاعته و وسعه، و فاز بسعداتي العلم و العمل و حاز منها الحظّ الأوفر الأكمل، العَلَم العالم الفاضل و المحقق المدقق الكامل، الجامع للفَضائل و الفائق على الأقران و الأمثال، ذو الفكر النقاد و الطبع الوقاد و الفضل الوافي الجليل، و الذهن الصافي الجميل، المؤيّد المسدّد المحمود، آقا ميرزا محمود الخراسگاني الاصفهاني - ادام الله افضاله.

فأنّه اطال الله بقاءه، قد قرء و تلمذ عندي و استفدت منه و استفاد مني جملة من المسائل الاصولية و الفقهية، قراءة تحقيق و تدقيق، و نظر و تعميق، و حصل من الفضل الغاية، و بلغ في العلم و الفقه و النهاية، الي أن صار ذات قوّة قدسيّة و ملكة قدّوسية لاستنباط الأحكام، فليشكر الله تعالى على هذه

یک اجازہ و چند سند دیگر از آیت‌الله میرزا محمود مقتدایی خوراسگانی / رسول جعفریان

النعمة العظيمة، و العطيّة الكبرى.

و قد استجاز منّي رواية كتب الأخبار فأجزت لجنابه أن يروى عنّي كلّما صحّت لي روايته و درايته من كتب الأخبار و مصتفات العلماء الأبرار، و لاسيّما الكتب الأربعة القديمة التي عليها المدار، من سالف الأعصار، الكافي و الفقيه و التهذيب و الاستبصار، و كتب الثلاثة المتأخرة التي هي في غاية الاشتهار كالشمس في رابعة النهار، الوافي و الوسائل و بحار الانوار مما ارويه عن غير واحد من مشايخي و اساتيدي باسانيدهم المتصلة الى العلماء المصنفين، ثم الى الائمة الطاهرين.

و اوصيه بتقوى الله و الأخذ بمجامع الاحتياط الذي هو طريق النجاة، و أن لا ينساني من الدعاء من مظانّ استجابة الدعوات، و عقيب الفرائض و الصلوات، و أسأل الله لي و له التوفيق لما وفق له محمّد

و آله الطاهرين و كان تحرير ذلك في ٢٠ شوال ١٣٤٠

حرّرها الأحقر محمد الموسوي مدرس نجف آبادي



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي جعلنا له عباده بالحق والبيان وارحمهم بآياته جلهم بالسؤال عن اهل الذكر عند الحيرة والجماله
 وبين لهم سنة التدريس والتدريس لتعريف الواضحات وهداهم قواعد الاحكام واحصاهم من نصوص الديانات
 وبين لهم ما يحتاجون اليه في ارضهم ودمي بالدرر والديان والصلوة والسلام على رسوله الذي
 بعثه عليهم من انفسهم بالبيان وانزل عليه الوحي ان المهد المحترمة على المحجرات والفتن بها ونصب
 من اهل بيته الائمة الهدى والدة الولاة والارادة الهيات المصومين من الزلات ومصروفهم في
 الخيرات ومبينين لها يراد عليهم من النواحي والمنزلات والعبوات والمفوضات والمطلقا والمقتدر
 سيما ابن عمه وصيه وزبيره وصنوه وجهه امير المؤمنين واهام المتقنين صاحب الفوائد المشهور
 والمنفذ من طاعة على جميع الكائنات وقوله فان العلم اشرف المفضل والكل للحال واحسن الاجل
 واجمل الجمال ومن اشرف العلوم كلها علم قواعد الدين الذي به مائة المترشحين وارث والى اهل بيته
 التي نزلت وبها يروى الاحكام الشرعية والملايك والطرام اللدنية ومما الوسيلة للليل بالسادة اللدنية
 والسادة الدنيوية والسادة الاخرية وكان في حق شيخنا اربعة واجهه بالانعام والبنية بعد الفراق في
 العظم والنزول على كرم رواية الحديث وحفظها ودراية الاجاب روحها وروحها وروحها وروحها
 الاعوام في ممارستها وكان لسلفنا الصالحين وعلى ان الرضين حزين انهم هذا المطلب الشريف وكثير
 اعتناء هذا العقيدة المنيف حتى يزلوا في رعايته هدهم واستخرجوا في فقههم وفهمهم كرامهم ومن صرف
 الذي انما انظاره الدقيقة ودوجه الميرة انكار الحقيقة بلوغ الى هذه المرتبة التي وفرك فيه جودا وهديا و
 استوفى فيه طاعته ووسعه وقا زسارته العلم والعمل وحسنه المظا لا دفر الاكمل العلم الى العلم الفاضل
 والحقق المدقق الكامل المباح للعضل والالتفات على الدرر والذات على ذواتها التفت والطبع الربا والفضل
 الوان الجليل والذين الصلح الجليل المؤيد المسدد المحمديان حزينه محمودا على ان لا يصعب في ايامهم افاضل فانه
 المطاوعة وقد فرغوا من غير عجز وراستفادته واستفادته حيلة من ان لا يصعب في الاعقوبة والاعقوبة قراءة
 كتحقيق وتدقيق وتكثيف وحصل من الفضل التي وبلغ في العلم والفقهاء النهائية الا انصار ذات
 قوة قدسية وحكمة وقدسية لاستنباط الاحكام فليشكره على هذه النعمة المظف والعطية الكبرى
 وقد استخرج روايت كيتا لا يجاز قاجرت ليجبا بيان بزور على كل صحت له روايت ودرائته من كتبنا الدينية
 ومصنفات العلماء الابرار ولا سيما الكنية اللدنية التي عليها المدارس من لنا الانصاف وكتبنا القلم
 المتأخر الذي في غاية الاشهر كالشمس في رايته لها الرمان والورث الذي رالذوار مما اروي عن
 غير واحد من شيوخنا في يدنا من يندم المصطلح الى العلم المصنفين ثم الى الائمة الطاهرين واصبه
 بتقوى الله والخذ يجمع الملاحية الذي هو طريق النجاة وان لا يذبح من الوفا في حفظنا انما به الدعوى
 وصفتنا من الوفا في حفظنا انما به الدعوى

پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ۱۳۸۸ / تابستان ۱۳۸۸

بسم تعالی

برادر عزیزم جناب آقاکی لامر قاضی مقتدائی درم غزوه

بعض مقدس عالمی ریاضه
 بیدوارم و جو مبارک عاری از هر گونه فطالت و کسالت و
 مقرون بصفت و عاقبت و سعادت بوده باشد . از صحت مخلص جو با با سید لاجورد
 که در جمیع و این استقامت تصبیع شوم ، نامه تشریف دهر و بلا نیاشغف و سر درویش
 با خود آوردیم ، تدارک از خاطر است فرس ایام رمضان و هم تهمه از از حفظ ظاهر و سر کجا بود
 حضرت طالب ابوی معظم و مکر تقان درم ظله بود . هر چند در ایام مبارک معظم از
 مشهور مقدس مین نشد و کما بر صفت از حضرتان استفاضه بنام ولی در بیان سعادت مختصری
 بملاکات شریف موفق شدیم عالم از لطف و صفای و صبر و صفا و تقابل خود شایسته و قبول
 اعراب را تیره کفر فاسد نضال و ساعده و طلاله . از در دارم بار دیروز در در وقت زیارت
 ایشان و جنابها را بفرموده است فرمایید .

استاد حضرت عالی کما جلالی از در در وقت ملاقاتی کنیم مشیر درسی و غیر درسی ما بجهت منتفست
 لذا از جهت نگریم ، چند شب قبل در مدرسه باقریه تشریف آورده و سلام مبارک از ما
 جناب آقاکی امامی را مخصوصاً گفتند سلام بر ما بنام بدینت در فکرم عرضیه ایما ،
 خدمت شریف تقسیم بنام توفیق شاد است فرمودند . در نامه فرزند عزیزت و توفیق
 جنابها را رحمه او از خواهم .

الحمد لله المستعان

۱۲ محرم الحرام ۱۳۳۸

نامه و دستخط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به آیت‌الله مقتدایی در سال ۱۳۳۸ شمسی

یک اجازه و چند سند دیگر از آیت‌الله میرزا محمود مقتدایی خوراسگانی / رسول جعفریان



پیام بهارستان / د ۲۰، س ۱، ش ۴ / تابستان ۱۳۸۸

